



قضیه نحوست برخی ایام و ساعات از نظر شرعی قضیه مشهوری است/ سعد و نحس ایام و ساعات در قرآن و روایات

آیت الله مظاهری درباره سعد و نحس ایام و ساعات می گوید: قضیه نحوست برخی ایام و ساعات، از نظر شرعی، قضیه مشهوری است و انکار اصل قضیه مشکل است. از نظر عقلی هم برهان قاطع برای انکار آن نداریم، چنانکه اثبات آن نیز دلیل عقلی قوی ندارد.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: آیت الله مظاهری درباره سعد و نحس ایام و ساعات می گوید: قضیه نحوست برخی ایام و ساعات، از نظر شرعی، قضیه مشهوری است و انکار اصل قضیه مشکل است. از نظر عقلی هم برهان قاطع برای انکار آن نداریم، چنانکه اثبات آن نیز دلیل عقلی قوی ندارد.

هنگامی که امام علی(ع) آماده حرکت برای نبرد با خوارج بود، یکی از یارانش گفت: ای امیرمؤمنان از آن می ترسم که اگر در این ساعت حرکت کنی به مراد خویش نرسی! این سخن را که می گویم از «علم نجوم» الهام می گیرد. امام علی(ع) در پاسخش چنین فرمود: گمان می کنی تو آگاهی از آن ساعتی که اگر در آن ساعت کسی حرکت کند با ناراحتی روبرو نخواهد شد؟ و می توانی از آن ساعتی که هر کس در آن براه افتد زیان می یابد او را با خبر کنی؟! کسی که در این گفتار تو را تصدیق کند، قرآن را تکذیب کرده است و از استعانت به خدا در رسیدن به هدفهای محبوب و مصونیت از آنچه ناپسند است بی نیاز شده است. گویا می خواهی به جای خداوند، تو را ستایش کنند، چون به زعم خود، مردم را به ساعتی که در آن به مقصود می رسند و از زیان بر کنار می مانند، هدایت کرده ای! سپس امام رو به مردم کرد و چنین فرمود: ای مردم! از فرا گرفتن علم نجوم(خبرهای غیبی و پیشگویی بوسیله ستارگان) بر حذر باشید، جز به آن مقدار که در دریاها و خشکیها شما را هدایت کند. چه اینکه نجوم به سوی کفایت عوت می کند، منجم همچون کاهن است و کاهن چون ساحر و جادوگران همانند کافران و کافر در آتش است... اکنون از سخن این منجم نترسید و به نام خدا به سوی مقصد حرکت کنید.

آیت الله مظاهری در این باره می گوید: قضیه نحوست برخی ایام و ساعات، از نظر شرعی، قضیه مشهوری است و انکار اصل قضیه مشکل است. از نظر عقلی هم برهان قاطع برای انکار آن نداریم، چنانکه اثبات آن نیز دلیل عقلی قوی ندارد.

آن دسته که قائل به وجود ایام نحس بوده اند، برای اثبات این مطلب به قرآن کریم تمسک کرده اند که می فرماید:

«فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ» [1]

«إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ» [2]

و همچنین به آیاتی برای سعد ایام تمسک کرده اند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُّبَارَكَةٍ» [3]

همچنین روایاتی در این زمینه در خصوص سعد و نحس برخی ماهها و روزها و ساعات وجود دارد. [4] برخی نیز معتقدند که روز و ساعت نحس وجود ندارد و نحوستی که در قرآن کریم به آن اشاره شده است را به اعتبار مظروف دانسته اند، نه به اعتبار ظرف. بر اساس این نظریه، آن بلای سنگین و نابود کننده که در آیات شریفه ذکر شده، نحس است و به این اعتبار، آن روزها، روزهای نحس نامیده شده اند، ولی انکار سعد و نحس ماهها و بعضی ایام و ساعات، با وجود روایات، کار مشکلی است.

اما، به فرض که روزها و زمانهای نحسی وجود داشته باشد، باید بدانیم که به واسطه توسل به قرآن کریم و خواندن قرآن، توسل به اهل بیت(س) و به واسطه صدقات، خیرات و انفاقات و استغفار و استعاذه، نحوست از بین خواهد رفت. بنابراین، اگر کسی بخواهد در زمان مشهور به نحوست، به کاری بپردازد، با صدقه و توسل و نظایر آن، می تواند آن نحسی را رفع کند و به کار خود برسد. مثلاً اگر مشهور است که مسافرت در روز دوشنبه خوب نیست، چنانچه کسی قصد مسافرت در روز دوشنبه را دارد، می تواند صدقه بدهد و با امید و توکل به خداوند متعال، حرکت کند و نحوست آن روز را از بین ببرد.

همچنین انسان هنگام خروج از منزل، می تواند با قرائت قرآن مثلاً سه مرتبه «آیه الكرسي»، در حفظ قرآن کریم قرار گیرد و به کارهای خود برسد. با این راهکار، اصل قضیه حل می شود؛ چون به فرض صحت ایام و ساعات نحس، نحوست آن قابل رفع است. پس، از آنجا که صورت مسأله را می توان با راهکاری که بیان شد، حذف کرد، اساساً نزاعی باقی نمی ماند و تفاوت ندارد که بگوییم اصل قضیه وجود دارد یا ندارد. همچنین، اعتماد و توکل به خداوند متعال، تفلل به خیر و نیکی و گمان خوب به خداوند و امید به رحمت الهی، به طور طبیعی مانع گرفتاری انسان می شود. چنانکه تفلل بد و ظن و گمان شر و منفی بافی، منجر به ناامیدی از رحمت خداوند می شود و علاوه بر آنکه گناه آن بسیار بزرگ است، به طور طبیعی باعث گرفتاری می شود.

آیت الله ناصر مکارم شیرازی هم در این باره می نویسند: سعد و نحس ایام از نظر عقل محال نیست که اجزاء زمان با یکدیگر تفاوت داشته باشند، بعضی دارای ویژگیهای نحوست و بعضی ویژگیهای ضد آن، هر چند از نظر استدلال عقلی راهی برای اثبات یا نفی چنین مطلبی در اختیار نداریم، همین اندازه می گوئیم ممکن است ولی از نظر عقل ثابت نیست. بنابراین اگر دلایل شرعی از طریق وحی که افقهای وسیعتری را روشن می سازد بر این معنی در دست داشته باشیم قبول آن نه تنها بی مانع بلکه لازم است.

در آیات قرآن تنها در دو مورد اشاره به "نحوست ایام" شده است: یکی در آیه 19 سوره قمر و دیگری در آیه 16 سوره فصلت که درباره ماجرای قوم عاد سخن می گوید در آنجا می خوانیم: فارسلنا علیهم ریحاً صرصراً فی ایام نحسات: "مانند بادی سخت و سرد در روزهای شومی بر آنها مسلط ساختیم." و در نقطه مقابل، تعبیر "مبارک" نیز در بعضی از آیات قرآن دیده می شود، چنانکه درباره شب قدر می فرماید انا انزلناه فی لیلة مبارکة"، "ما قرآن را در شبی پر برکت نازل کردیم". "نحس" در اصل به معنی سرخی فوق العاده افق است که آنرا به صورت "نحاس" یعنی "شعله آتش خالی از دود" در می آورد، سپس به همین مناسبت در معنی "شوم" به کار رفته است. به این ترتیب قرآن جز اشاره سر بسته ای به این مسئله ندارد، ولی در روایات اسلامی به احادیث زیادی در زمینه "نحس و سعد ایام" برخورد می کنیم که هرچند بسیاری از آنها روایات ضعیف است و یا احیاناً آمیخته با بعضی روایات مجعول و خرافات است، ولی همه آنها چنین نیست، بلکه روایات معتبر و قابل قبولی در میان آنها بدون شک وجود دارد، چنانکه مفسران نیز در تفسیر آیات فوق بر این معنی صحه نهاده اند.

محدث بزرگ مرحوم علامه مجلسی نیز روایات فراوانی در بحارالانوار در این زمینه آورده است. در روایات متعددی سعد و نحس ایام در ارتباط با حوادثی که در آن واقع شده است تفسیر شده، فی المثل در روایتی از امیرمؤمنان علی(ع) می خوانیم شخصی از امام(ع) درخواست کرد تا درباره روز "چهارشنبه" و فال بدی که به آن می زنند و سنگینی آن، بیانی فرماید که منظور کدام چهارشنبه است؟ فرمود: "منظور چهارشنبه آخر ماه است که در محاق اتفاق افتد، و در همین روز "قابیل" برادرش "هابیل" را کشت... و خداوند در این روز چهارشنبه تندباد را بر قوم عاد فرستاد"

لذا بسیاری از مفسران به پیروی بسیاری از روایات آخرین چهارشنبه هر ماه را روز نحس می دانند، و از آن تعبیر به "اربعاء لاتدور" می کنند (یعنی چهارشنبه ای که تکرار نمی شود). در بعضی دیگر از روایات می خوانیم که روز اول ماه روز سعد و مبارکی است چرا که آدم (ع) در آن آفریده شد، همچنین روز بیست و ششم چرا که خداوند دریا را برای موسی (ع) شکافت. یا این که روز سوم ماه روز نحسی است، چرا که آدم و حوا در آن روز از بهشت رانده شدند و لباس بهشتی از تن آنها کنده شد. یا این که روز هفتم ماه روز مبارکی است، چرا که نوح(ع) سوار بر کشتی شد (و از غرقاب نجات یافت) یا اینکه در مورد نوروز در حدیثی از امام صادق(ع) می خوانیم که فرمود: «روز مبارکی است که کشتی نوح(ع) بر جودی قرار گرفت و جبرئیل بر پیامبر اسلام(ص) نازل شد، و روزی است که علی(ع) بر دوش پیامبر(ص) رفت بتهای کعبه را شکست و داستان غدیر خم مصادف با نوروز بود.

این گونه تعبیرات، در روایات فراوان است که سعد و نحس ایام را با بعضی از حوادث مطلوب، یا نامطلوب پیوند می دهد، مخصوصاً در مورد روز عاشورا که بنی امیه به گمان پیروزی بر اهل بیت آن را روز مسعودی می شمردند، و در روایات شدیداً از تبرک به آن روز نهی شده و حتی دستور داده اند که آن روز را روز ذخیره آذوقه سال و مانند آن نکنند بلکه کسب و کار را در آن روز تعطیل کرده و عملاً از برنامه بنی امیه فاصله بگیرند مجموع این روایات سبب شده که بعضی مسئله سعد و نحس ایام را چنین تفسیر کنند که مقصود اسلام توجه دادن مسلمین به این حوادث است تا از نظر عمل خود را بر حوادث تاریخی سازنده تطبیق دهند و از حوادث مخرب و روش بنیانگذاران آنها فاصله گیرند. این تفسیر ممکن است در مورد قسمتی از این روایات صادق باشد ولی در مورد همه آنها بطور حتم صادق نیست، چرا که از بعضی از آنها استفاده می شود تأثیر مرموزی در بعضی ایام احیاناً وجود دارد که ما از آن آگاهی نداریم.

این نکته نیز قابل دقت است که بعضی در مسئله سعد و نحس ایام به اندازه ای راه افراط را پوئیده اند که به هر کاری می خواهند دست بزنند قبلاً به سراغ سعد و نحس ایام می روند و عملاً از بسیاری فعالیتها باز می مانند و فرصتهای طلایی را از دست می دهند. یا اینکه بجای بررسی عوامل شکست و پیروزی خود و دیگران و استفاده از این تجربیات گرانها در زندگی، گناه همه شکستها را به گردن شومی ایام می اندازند، همانگونه که رمز پیروزیها را در نیکی ایام جستجو می کنند!

این یکنوع فرار از حقیقت، و افراط در مسئله و توضیح خرافی حوادث زندگی است که باید از آن به شدت پرهیز کرد و در این مسائل نه گوش به شایعات میان مردم داد، نه سخن منجمان، نه گفته فالگیران، اگر چیزی در حدیث معتبر در این زمینه ثابت شود باید پذیرفت، وگرنه بی اعتنا به گفته این و آن باید خط زندگی را ادامه داد و با تلاش و سعی و کوشش محکم گام برداشت و از توکل بر خدا یاری جست و از لطف او استعانت خواست.

مسئله توجه به سعد و نحس ایام علاوه بر اینکه غالباً انسان را به یک سلسله حوادث تاریخی آموزنده رهنمون می شود، عاملی

است برای توسل و توجه به ساحت قدس الهی، و استمداد از ذات پاک پروردگار و لذا در روایات متعددی می خوانیم که در روزهایی که نام نحس بر آن گذارده شده می توانید با دادن صدقه و یا خواندن دعا و استمداد از لطف خداوند و قرائت بعضی آیات قرآن و توکل بر ذات پاک او به دنبال کارها بروید و پیروز و موفق باشید.

از جمله در حدیثی می خوانیم که یکی از دوستان امام حسن عسکری(ع) روز سه شنبه خدمتش رسید، امام فرمود: دیروز تو را ندیدم، عرض کرد: دوشنبه بود و من در این روز حرکت را ناخوش داشتم! فرمود: "کسی که دوست دارد از شر روز دوشنبه در امان بماند در اولین رکعت نماز صبح سوره هل اتی بخواند، سپس امام(ع) این آیه از سوره هل اتی را (که تناسب با رفع شر دارد) تلاوت فرمود: فوقاهم الله شر ذلک الیوم... "خداوند نیکان را از شر روز رستاخیز نگاه می دارد او به آنها خرمی و طراوت ظاهر و خوشحالی درون عطا می کند"

در حدیث دیگر می خوانیم که یکی از یاران صادق(ع) از آن حضرت پرسید: آیا در هیچ روزی از روزهای مکروه چهارشنبه و غیر آن سفر کردن مناسب است؟ امام(ع) در پاسخ فرمود: سفت را با صدقه آغاز کن و آیه الکرسی را به هنگامی که می خواهی حرکت کنی تلاوت کن" (و هر کجا می خواهی برو)

در حدیث دیگری نیز آمده است که یکی از یاران امام دهم علی بن محمد الهادی (ع) می گوید: خدمت حضرت(ع) رسیدم در حالی که در مسیر راه انگشتم مجروح شده بود و سواری از کنارم گذشت و به شانه من صدمه زد و در وسط جمعیت گرفتار شدم و لباسم را پاره کردند، گفتم: خدا مرا از شر تو ای روز حفظ کند، عجب روز شومی هستی! امام فرمود: با ما ارتباط داری و چنین می گویی؟! و روز را که گناهی ندارد گناهکار می شمری؟

آن مرد عرض می کند از شنیدن این سخن به هوش آمدم و به خطای خود پی بردم، عرض کردم ای مولای من، من استغفار می کنم و از خدا آمرزش می طلبم، امام(ع) افزود: روزها چه گناهی دارد که شما آنها را شوم می شمردید هنگامی که کیفر اعمال شما در این روزها دامنانتان را می گیرد؟! راوی می گوید: عرض کردم برای همیشه از خدا استغفار می کنم و این توبه من است ای پسر رسول خدا. امام (ع) فرمود: این برای تو فایده ای ندارد، خداوند شما را مجازات می کند به مذمت کردن چیزی که نکوهش ندارد، آیا تو نمی دانی که خداوند ثواب و عقاب می دهد، و جزای اعمال را در این سرا و سرای دیگر خواهد داد، سپس افزود: دیگر این عمل را تکرار مکن و برای روزها در برابر حکم خداوند کار و تأثیری قرار مده!"

این حدیث پرمعنی اشاره به این است که اگر روزها هم تأثیری داشته باشد به فرمان خدا است، هرگز نباید برای آنها تأثیر مستقلی قائل شد، و از لطف خداوند خود را بی نیاز دانست، ضمن اینکه نباید حوادثی را که غالباً جنبه کفاره اعمال نادرست انسان است به تأثیر ایام ارتباط داد و خود را تبرئه کرد.
پی نوشت:

نقل شده که سخن بالا را عقیف بن قیس برادر اشعث بن قیس به امام(ع) گفته است.

نشانه اینکه گفته منجمان معمولاً درست از آب در نمی آید، جریان خوارج است یعنی در همان مسافرتی که امام(ع) را نهی کرد و گفت به مراد نمی رسی امام(ع) بر خوارج پیروز گردید.

منظور از علم نجوم که در این گفتار از آن مذمت شده ستاره شناسی نیست بلکه همان است که در قدیم معمول بوده که از حرکات ستارگان آینده اشخاص را پیش بینی می کردند و گاهی همین پیش بینیها سد راه فعالیت های اجتماعی آنان می شد.

منظور از «کهنات» ادعای آگاهی بر غیب است که در زمان جاهلیت معمول بوده و افرادی ادعا می کردند که از طریق جن و ارواح خبیثه از امور آینده و پنهانی آگاهی دارند.

[1]. فصلت / 16

[2]. قمر / 19

[3]. دخان / 3

[4]. بحار الانوار، ج 56، صص 31-18، باب 15 (باب ما روی فی سعادة ایام الاسبوع و نحوستها)